

محمدجواد مروچی طبیبی

تحریف سیره و سنت

پیامبر (ص)

توسط معاویه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# تحریرف سیره و سنت پیامبر توسط معاویه

نویسنده:

محمد جواد مروجی طبسی

ناشر چاپی:

محمد جواد مروجی طبسی

## فهرست

۵	فهرست
۶	تحریف سیره و سنت پیامبر توسط معاویه
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	روش‌های معاویه در تحریف سیره نبوی
۶	تمسخر سعد
۷	تمسخر ابوقتاده
۷	اهانت و اخراج
۷	تهدید ناقلان حدیث
۷	برخورد با سیره و سنت پیامبر
۷	توییح راویان و به فراموشی سپردن روایات
۸	اظهار رأی در برابر سنت پیامبر
۸	تحریف مقصود پیامبر
۹	صرف بیت المال برای تطمیع
۹	انکار سنت پیامبر
۹	میراندن سنت و احیای بدعت
۱۰	پاورقی

## مشخصات کتاب

نوع: مقاله

پدیدآور: مروجی طبسی، محمدجواد

عنوان و شرح مسئولیت: تحریر سیره و سنت پیامبر توسط معاویه [منبع الکترونیکی] / محمدجواد مروجی طبسی

توصیف ظاهری: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۱۳ بایگانی: ۲۷.۵KB)

موضوع: محمد (ص)، پیامبر اسلام

## مقدمه

از میان دشمنان اسلام تنها طایفه‌ای که لحظه‌ای دست از عداوت و دشمنی با پیامبر و مسلمانان برنداشت، طایفه بنی امیه بود. سرکرده این طایفه ابوسفیان بود؛ او کسی بود که تا پیش از فتح مکه، یکی از دشمنان سرسخت اسلام و مسلمانان به حساب می‌آمد. او کسی بود که جنگ بدر، احد و احزاب را به قصد نابودی اسلام راه‌اندازی کرد و تا فتح مکه لحظه‌ای عقب ننشست و فرزندش معاویه - که در فساد، طغیان و بی‌دینی، کمتر از پدر خود نبود - از همان اول بنای مخالفت با پیامبر و اهل بیت او را گذاشت. پس از شهادت امیر مؤمنان علیه‌السلام بدترین فشارها را علیه شیعیان و پیروان آن حضرت روا داشت. و می‌توان گفت کسی که بیش‌ترین لطمه را به پیکره اسلام و مسلمانان وارد کرد، معاویه بود؛ چرا که او طی پنجاه سالی که بر مسلمانان مسلط شده بود، نه تنها بسیاری از حرمت‌ها را شکست بلکه در تحریر سیره و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم تلاش زیادی کرد. امیر مؤمنان که بهتر از هر کس دیگری سابقه دیرینه این طایفه و علی‌الخصوص معاویه را می‌دانست، طی نامه‌ای به مردم عراق به این مسئله اشاره کرده و چنین خاطر نشان می‌سازد: «بدانید که شما مردم عراق با کسانی رو به رو شده‌اید که طلقاء (آزاد شدگان) و فرزندان طلقاء هستند، و با گروهی می‌جنگید که به زور و به اکراه اسلام آورده‌اند. آنان از دشمنان خدا و سنت پیامبر و قرآن مجید و پیروان احزاب و بدعت‌ها می‌باشند.» [۱]. و در خطبه دیگری به هنگام تشویق یاران خود به هنگام رفتن به جنگ علیه معاویه فرمود: «پیش به سوی دشمنان خدا و سنت و قرآن مجید؛ به سوی باقی ماندگان احزاب و قاتلان مهاجران و انصار.» [۲].

## روش‌های معاویه در تحریر سیره نبوی

برخوردهای زشت و زننده معاویه بن ابی‌سفیان با راویان حدیث نبوی، نشان دهنده عمق کینه توزی و حقد و حسد او نسبت به پیامبر و یارانش می‌باشد. او گاهی با شنیدن حدیثی از پیامبر، با نشان دادن حرکات زشتی از خود، راوی و روایت را به باد مسخره و استهزاء می‌گرفت که نمونه‌های زیر بهترین گواه ما است:

## تفسیر سعد

علاّمه امینی از طبری از ابن ابی‌نجیح نقل کرده: وقتی که معاویه جهت ادای مراسم حج به مکه آمده بود، پس از طواف به سوی دارالندوه رفت در حالی که سعد بن ابی‌وقاص او را همراهی می‌کرد. معاویه او را بر تخت در کنار خود نشانیده و شروع به دشنام دادن به علی علیه‌السلام کرد. سعد گفت: مرا در کنار خود نشانیده و علی علیه‌السلام را دشنام می‌دهی؟! به خدا سوگند اگر یکی از

صفات علی علیه السلام در من بود، برایم بهتر بود از آنچه که آفتاب بر آن بتابد... [۳]. علامه امینی در ادامه این ماجرا، از ابن عایشه و دیگران نقل کرده: وقتی سعد چنین گفت، بلافاصله از جای خود برخاسته تا برود، معاویه بادی از خود خارج کرده و گفت: بنشین تا جواب خود را دریافت کنی، تاکنون در نزد من این گونه پست و فرومایه جلوه نکرده بودی. اگر چنین است که تو می‌گویی، پس چرا با او بیعت نکردی در حالی که اگر من چنین چیزی از پیامبر شنیده بودم تا زنده بودم خدمتگزارش می‌بودم.. [۴].

### تمسخر ابوقتاده

و آن روزی که معاویه وارد مدینه شد، ابوقتاده با او رو به رو گشت. معاویه گفت: ای ابوقتاده! به جز شما گروه انصار، همه مردم با من دیدار کردند. چه چیز مانع شد که به دیدنم نیاید؟ ابوقتاده گفت: چهارپایانمان همراه ما نبود. معاویه گفت: پس شتران شما چه شدند؟ ابوقتاده گفت: آن‌ها را در آن روزی که در پی تو و پدرت در جنگ بدر بودیم، پی کردیم. سپس گفت: پیامبر به ما فرمود که ما پس از او سختی‌ها و مشکلاتی خواهیم دید. معاویه گفت: در این صورت به شما چه دستوری داده است؟ ابوقتاده گفت: ما را به صبر و شکیبایی دستور داده است. معاویه گفت: پس صبر کنید تا وی را ملاقات کنید. [۵].

### اهانت و اخراج

روزی ابوبکره در مجلس معاویه حاضر شد. معاویه گفت: ای ابابکره! برای ما حدیث بگو. ابوبکره گفت: از رسول خدا شنیدم که می‌فرمود: سی سال، خلافت است و سپس، پادشاهی خواهد شد. عبدالرحمن بن ابی‌بکره گوید: من نیز در آن موقع همراه پدرم بودم، پس معاویه با شنیدن این حدیث، دستور داد تا با پس گردنی ما را از آن جا بیرون کردند. [۶].

### تهدید ناقلان حدیث

از جمله کارهایی که معاویه در رابطه با منع و جلوگیری از احادیث رسول الله انجام داد، این بود که برخی از یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم را در صورت نقل روایت، به کشتن تهدید کرده بود. نصرین مزاحم می‌نویسد: معاویه کسی را به سراغ عبدالله بن عمر فرستاده، به او گفت: اگر بشنوم که حدیثی را نقل کرده باشی، گردن تو را خواهم زد. [۷].

### برخورد با سیره و سنت پیامبر

حقد و کینه دیرینه معاویه او را وامی‌داشت که به سخنان دربار پیامبر نیز نگاه دیگری کند، بدین جهت از همان اول بنا را بر این گذاشت که سخنان و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را جعل و تحریف و تغییر و همچنین با تجاهر و تغافل و انکار بلکه اظهار رأی در برابر سنت پیامبر و ده‌ها برنامه دیگر برای محو سنت، و تلاش مستمر و پی‌گیر برای از بین بردن سیره و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم داشته باشد، به عنوان نمونه:

### توبیخ راویان و به فراموشی سپردن روایات

معاویه از کسانی بود که بر خلاف سنت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم، بازار رباخواری را در شام رواج داده بود و اگر فردی در این باره سخن می‌گفت، در برابرش سخت موضع می‌گرفت. و در برخی موارد از راوی می‌خواست تا از ذکر حدیث نبوی

خودداری کند. آورده‌اند که: عبادۀ بن الصامت در شام دید که که شامیان در داد و ستد خود ظرف نقره‌ای را با دو برابر با ظرف نقره‌ای دیگر می‌فروشنند. به نزد آن‌ها رفته، اظهار داشت: ای مردم! هر که مرا می‌شناسد که می‌شناسد و هر که مرا نمی‌شناسد، من عبادۀ بن الصامت هستم؛ بدانید که در شب پنج‌شنبه در آخرین ماه رمضان از پیامبر شنیدم که می‌فرمود: «طلا باید با طلا به وزن یکدیگر بدون هیچ‌زیادی داد و ستد شود، پس هر چه زیاد باشد ربا می‌باشد...» مردم پس از شنیدن این حدیث از اطراف او پراکنده شده و رفتند. به معاویه خبر دادند که عبادۀ چنین گفته است. معاویه پی او فرستاده و گفت: اگر تو پیامبر را همراهی و مصاحبت کردی، ما نیز از صحابه و یاران او بودیم و نیز از او شنیدیم. عبادۀ گفت: من او را دیدم و همراهش بودم و از او شنیدم. معاویه گفت: این چه حدیثی بود که از او نقل کردی؟! عبادۀ همان حدیث را که از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در باره ربا شنیده بود، نقل کرد. معاویه گفت: از این حدیث چشم پوشی کن و دیگر جایی آن را نقل ننما. عبادۀ گفت: آری من این حدیث را نقل می‌کنم گرچه بر خلاف میل معاویه باشد. [۸].

### اظهار رأی در برابر سنت پیامبر

وقاحت و بی‌شرمی معاویه به حدی بود که اگر به چیزی که بر خلاف سنت رسول الله بود و او عمل می‌کرد، نه تنها به هیچ وجه حاضر نبود از کار خلافتش دست بردارد بلکه با اظهار رأی خود در برابر سنت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم می‌گفت: به نظر من این کار اشکالی ندارد. نسائی در سنن خود از قتیبۀ از مالک از زید بن أسلم از عطاء بن یسار نقل می‌کند که معاویه ظرفی از طلا یا دیناری را به بیشتر از وزن خود فروخت، ابودرداء گفت: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم شنیدم که از همانند چنین چیزی نهی می‌کرد مگر به مثل خود (بدون هیچ کم و زیادی). [۹]. روشن نیست که نسائی فقط به همین قسمت اکتفا کرده یا بعدها بخشی از این گفت و گو از کتابش حذف گردیده است. زیرا علامه امینی از مالک و از نسائی همین مطلب را نقل کرده با اضافه مطلبی که در نسخه خطی سنن نسائی موجود نمی‌باشد. وی آورده است که وقتی ابودرداء این حدیث را از پیامبر نقل کرد، معاویه گفت: به نظر من این معامله اشکالی ندارد. ابودرداء گفت: چه کسی سخن من را درباره معاویه می‌پذیرد؟ (عجیب این است) که من از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به او خبر می‌دهم و او از رأی و نظر خود برایم می‌گوید! سپس اظهار داشت: هرگز در سرزمینی که تو در آن حکمرانی، زندگی نمی‌کنم... [۱۰].

### تحریف مقصود پیامبر

بسیاری از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم از لبان مبارکش در باره عمار بن یاسر (ره) شنیده بودند که می‌فرمود: «أما انك ستقتلك الفئة الباغية» در جنگ صفین که عمار به دست معاویه و هوادارانش به شهادت رسید، برخی از پیروان معاویه از جمله عمرو بن عاص، وحشت زده به نزد معاویه رفته، معاویه پرسید: برای چه آمدی؟ عمرو خبر شهادت عمار را به او داد. معاویه گفت: حال چه شده؟ عمرو گفت: از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم شنیدم که می‌فرمود: «تقتله الفئة الباغية» معاویه گفت: آیا ما او را کشتیم؟! بلکه این علی و یارانش بودند که او را کشتند. زیرا، عمار را به این جا آورده و در برابر نیزه‌ها و شمشیرهایمان قرارش دادند. [۱۱]. عجیب این است که این مکار و حیلہ گر در چند نوبت از شکست حتمی در جنگ، نجات یافت از جمله وقت شهادت عمار بن یاسر بود که می‌رفت برخی از دوستان و همفکران و هم‌زمان خود را از دست بدهد که با تحریف فرمایش رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم همفکران خود را فریب داد. شبلنجی در نورالابصار اضافه می‌کند: وقتی که این سخن به گوش علی علیه‌السلام رسید، فرمود: اگر من قاتل عمار باشم با این بیان، پس باید پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم حمزه را کشته باشد هنگامی که او را به سوی کفار فرستاده و در این راه کشته شد. [۱۲]. آیه‌الله فیروزآبادی قدس سره پس از نقل این جریان، اظهار می‌دارد:

اگر چنین باشد که علی علیه‌السلام قاتل عمّار باشد چون او را به جنگ با معاویه فرستاده است؛ پس باید خداوند عده‌ای از پیامبران را کشته باشد چرا که آن‌ها را برای ارشاد و هدایت کفار به سوی آنان فرستاده و در این راه کشته شدند. [۱۳].

### صرف بیت المال برای تطمیع

از جمله خیانت‌های معاویه نسبت به سیره و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم این بود که اموال زیادی را از بیت المال برداشته و در جیب افرادی منحرف و کینه توز سرازیر می‌کرد تا با شأن نزول آیات که از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم شنیده شده، بازی کرده و آن‌ها را تغییر دهند. محدث قمی از ابوجعفر اسکافی نقل می‌کند که روایت شده: معاویه صد هزار درهم به سمره بن جندب داد تا از پیامبر روایت کند که آیه «و من الناس من یعجبک قوله» در شأن علی علیه‌السلام نازل شده و آیه «و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضاة الله» در شأن ابن ملجم - لعنة الله علیه - نازل شده است. پس او حاضر نشد که چنین روایتی را به دروغ از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نقل کند. معاویه برای این که او را به چنین کاری حاضر کند، مبلغ را افزوده و دو بیست هزار درهم به او پیشنهاد کرد. اما باز هم قبول نکرد. معاویه مبلغ سیصد هزار درهم را پیشنهاد کرد. اما باز هم نپذیرفت تا این که به مبلغ چهارصد هزار درهم راضی شد و دست به چنین جنایتی زد. [۱۴].

### انکار سنت پیامبر

هر چیزی را که معاویه نمی‌پسندید و یا برخلاف ایده‌اش بود، بی‌درنگ آن را رد می‌کرد، و اگر آن چیز از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم رسیده و یا سنت و روش او هم بود، فوراً انکار می‌کرد که چنین چیزی از پیامبر نرسیده است. در گفت و گویی که میان عباده بن الصامت و معاویه در باره فروش طلا به طلا و گندم به گندم و جو به جو... آمده است، وی با نقل حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم این خرید و فروش را مگر به مساوی نهی کرد. معاویه در مقام انکار این حدیث به خشم آمده، اظهار داشت: چرا برخی از مردان، احادیثی را از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نقل می‌کنند در حالی که ما نیز از صحابه پیامبر بودیم ولی آن‌ها را از او نشنیده‌ایم؟! عباده که این سخن را از معاویه شنید، از جای برخاسته بار دیگر حدیث را نقل کرد و گفت: ما آنچه را که از پیامبر شنیده‌ایم، نقل خواهیم کرد گرچه برخلاف میل و رغبت معاویه باشد. [۱۵].

### میراندن سنت و احیای بدعت

معاویه بن ابی‌سفیان در میراندن سنت‌های نبوی و احیای بدعت‌ها، اهتمام فراوانی داشت که تاریخ بخشی از آن‌ها را به ثبت رسانده است. علامه امینی در کتاب الغدیر بر ۲۷ مورد از آن‌ها اشاره کرده است؛ از جمله: معاویه اولین کسی بود که فساد و فحشا را در بین مسلمانان رواج داد.. اولین کسی بود که ربا را حلال کرد و خورد.. اولین کسی بود که نماز را در سفر تمام خواند.. اولین کسی بود که بدعت اذان را در نماز عیدین (فطر و قربان) پایه گذاری کرد.. اولین کسی بود که جمع بین دو خواهر را جایز شمرد.. اولین کسی بود که سنت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را در دیات، تغییر داد و آنچه که از سنت نبود، اضافه کرد.. اولین کسی بود که تکبیر گفتن را قبل و پس از رکوع، ترک کرد.. اولین کسی بود که در نماز عید خطبه را بر نماز مقدم داشت.. اولین کسی بود که حکم فرزندان نامشروع را نقض کرد.. اولین کسی بود که انگشتر را در دست چپ کرد.. اولین کسی بود که سب و دشنام به علی علیه‌السلام را آغاز کرد و آن را به عنوان سنت برقرار کرد.. اولین کسی بود که بیت المال را صرف تحریف کتاب خدا کرد.. اولین کسی بود که شرط بیعت کردن با او را سب علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام قرار داد.. اولین کسی بود که سرمقدس صحابی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم عمرو بن حمق را نزد او بردند.. اولین کسی بود که یاران عادل رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم را به قتل



رسانید.. اولین کسی بود که زنان پیروان اهل بیت پیامبر را به قتل رسانید.. اولین کسی بود که خلافت اسلامی را به پادشاهی تبدیل کرد.. اولین کسی بود که لباس ابریشم به تن کرد و در ظرف طلا و نقره آب نوشید.. اولین کسی بود که آواز و غنای حرام شنید و اموال را بر آن صرف کرد.. اولین کسی بود که بر شهر پیامبر حمله ور شد و مردم آن دیار را ترساند. [۱۶].

## پاورقی

- [۱] شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۳۲.
- [۲] الغدیر، ج ۱، ص ۲۵۷.
- [۳] الغدیر، ج ۱، ص ۲۵۷.
- [۴] همان، ص ۲۵۸.
- [۵] تاریخ الخلفاء، ص ۱۳۴.
- [۶] الغدیر، ج ۱۰، ص ۲۸۳.
- [۷] وقعة صفین، ص ۲۲۰.
- [۸] الغدیر، ج ۱، ص ۱۸۵ و اسدالغابه، ج ۳، ص ۱۰۷.
- [۹] سنن نسائی، ج ۷، ص ۲۷۹.]
- [۱۰] الغدیر، ج ۱۰، ص ۱۸۴.
- [۱۱] سبعة من السلف، ص ۲۸۴.
- [۱۲] نورالابصار، ص ۸۹.
- [۱۳] سبعة من السلف، ص ۲۸۹.
- [۱۴] سفینه البحار، ج ۱، ص ۶۵۴.
- [۱۵] سنن نسائی، ج ۷، ص ۲۷۵.
- [۱۶] الغدیر، ج ۱۱، ص ۷۲.